

توضیحی بر مقاله پیشین^۱ (نظری بر استقرارهای کوچ نشینان در مناطق دره ای و کوهستانی جیرفت)

سلمان انجم روز*

درآمد:

شناسی و مطالعات کتابخانه ای تشکیل می داد. نقص این داده ها به دلایلی که ذکر شد خود موجبات پراکنده گی آن مقاله را فراهم آورد. نوشتار حاضر تلاشی است برای توضیح و تکمیل نواقص پژوهش گفته شده که اهداف و شرح آن در چهار گزینه پی گیری می شود: ۱- ارائه تعریف از کوچ نشینی ۲- ارائه الگوها و راهکارهای تحقیقی در حوزه هلیل رود ۳- داده های مردم نگاری پژوهش ۴- داده های باستان شناسی تحقیق.

ارائه تعریف:

ارائه یک تعریف تام و کامل از کوچ نشینی و یا تقسیم بندی آن به عنوان الگوهای ثابت و بادوام هیچ زمانی به درستی صورت نگرفته است و نیز چنین نخواهد شد. زیرا ما با اقسام این نوع شیوه معیشت در مقاطع مختلف زمانی و مکانی روبرو هستیم و آن چه باعث شکل گیری این تعاریف و تقسیم بندی ها می شود، در واقع ضرورت و یا سازگاری

معمولا عواملی که اساس بهبود و کیفیت یک پژوهش را تشکیل می دهند در موارد زیر می توان خلاصه نمود:
۱- نوع پرسش تحقیق ۲- ابزار و امکانات پژوهشی ۳- مطالعات و درجه فهم ۴- میزان پشتکار و علاقه
یک دانشجوی ایرانی ممکن است مورد نخست و آخر را داشته باشد و نیز امکان دارد ویژگی سوم را نیز به دست آورد، ولی در مورد دومی شک و ابهام بسیاری وجود دارد.

مقاله ای که در عنوان از آن یاد شده است، نخستین گام نگارنده در جهت مطالعه کوچ نشینی در جیرفت بود که از مشکلات گفته شده نیز به دور نبود. پرسش و استراتژی تحقیقی که اساس مقاله را تشکیل می داد، اگر در یک جمله خلاصه بنماییم چنین است: آیا کوچ نشینی در جیرفت پدیده ای تاریخی و تکرار پذیر بوده است؟
مجموع داده های پژوهش را داده های مردم نگاری و باستان

* مجله باستان پژوه (باستان پژوهی سابق) / شماره ۱۶ / انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.

** دانشجوی کارشناسی باستان شناسی دانشگاه تهران.

جوامع مرکزی آورده و زندگی شهری را پذیرفته و تنها از الگوی حرکتی فصلی پیروی می‌کنند. این افراد زمستان را در شهر سبزواران (بخش مرکزی منطقه جیرفت) به کار پیشه‌های آزاد و دولتی سپری کرده ولی تابستان را رو به بیلاق آورده و گه‌گاهی چند دامی را خریده و به پرورش آن می‌پردازند.

۲- عشایر یا رمه‌داران که آخرین بقایای جامعه عشایری را در حوزه هلیل تشکیل می‌دهند.

از این معدود جمعیت باقی‌مانده عشایری تعدادی رو به شهر آورده ولی مطابق با الگوی حرکتی گفته شده نیز هستند و تعدادی از این افراد شهری شده نیز گاهی دوباره رو به کوچ نشینی می‌آورند. معمولاً آنچه برای آنها ملاک قرار می‌گیرد میزان درآمد در شهر است و چون از تامین آن ناتوان هستند، از سر ناچاری دوباره به این پیشه رو می‌آورند و این عامل را حتی می‌توان به عنوان سبب ابقای پیشه عشایری در دوره کنونی در جیرفت دانست.

کوچ عشایر بهر آسمانی از نوع عمودی پلکانی و فصلی است. این کوچ با توجه به جمعیت‌های متفاوت عشایری که آنجا وجود دارد مابین سرزمین‌های مرتفع بهرآسمان و منطقه پست جیرفت انجام می‌گیرد (انجام می‌گیرد) (شکل ۱)

این نوع شیوه کوچ امروزه به شیوه‌های گذشته و با منزل پیمایی‌های طولانی صورت نمی‌گیرد بلکه با وسایل نقلیه امروزی همچون ماشین و اتومبیل به سادگی هرچه تمام‌تر انجام می‌شود.

ارائه الگو و راهکارهای تحقیقی

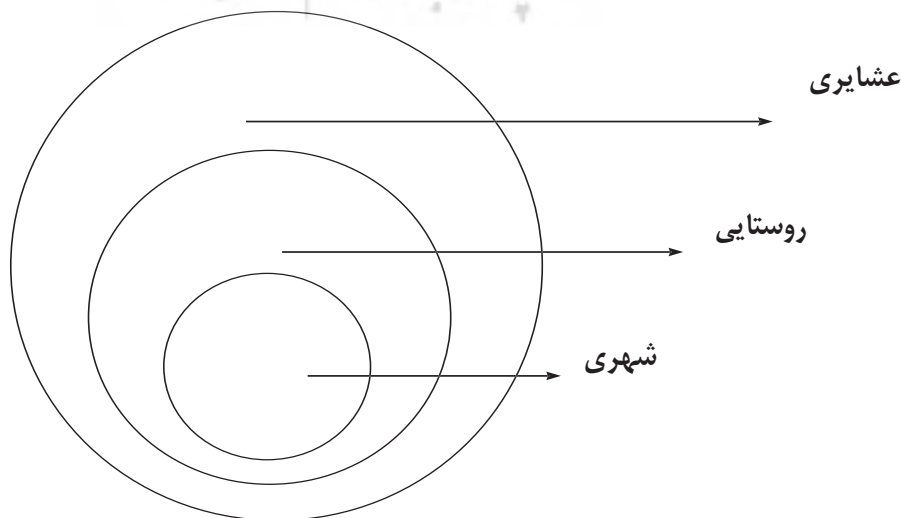
با توجه به پیمایش‌های میدانی که درحوزه هلیل رود توسط

های متفاوتی است که در مقاطع گفته وجود دارد.

اگر معنای حرکت و یا سیار بودن به تنهایی از این واژه برداشت شود، آن‌گاه این لغت یک کلیتی پیدا می‌کند که بر معیشت‌هایی هم‌چون زندگی کولیان و حتی محرکان شهری می‌تواند اطلاق یابد. ولی معمولاً معنایی که از این واژه در ذهن عام‌خطور می‌کند، زندگی عشایری است و یا نوعی شیوه معیشتی است که دام‌اساس آن را تشکیل می‌دهد. آن‌چه که از این نوع شیوه معیشتی زمینه تحقیقی ما را تشکیل می‌داد، کوچ مبتنی بر دام است.

کوچ مبتنی بر دام در واقع زیرمجموعه زندگی شبانی (pastoralism) قرار می‌گیرد (Abdi ۲۰۰۳) که از دیگر زندگی‌های شبانی مانند روستاهای مبتنی بر اقتصاد دامی و یا رمه‌داری جدا می‌شود. کوچ مبتنی بر دام از لحاظ سرزمین مورد کوچ به دو قسم عمودی و افقی تقسیم می‌شود. کوچ عمودی یا پلکانی مابین دو سرزمین پست و بلند ارتفاعات کوهستانی انجام می‌شود و به همین دلیل نام عمودی بر آن نهاده شده است. در حالی که کوچ‌های افقی در سرزمین‌های پست و بیابانی به شکل حرکت‌های کوتاه غیر قابل پیش‌بینی صورت می‌گیرد (مشیری ۱۳۸۰، ورجاوند ۱۳۴۴، بخش‌ننده نصرت ۱۳۸۴). ولی اگر بخواهیم یک مقیاس تحولی و زمانی را برای تعریف کوچ نشینی مبتنی بر دام در نظر بگیریم، می‌توان از دو نوع کوچ نشینی محض و یا زندگی نیمه کوچ نشینی یاد کرد (بخش‌ننده نصرت ۱۳۸۴). با توجه موارد و تعاریف گفته شده می‌توان نمونه‌بندی‌هایی را در مورد جمعیت‌های سیار در منطقه مذکور (عشایر بهرآسمانی جیرفت) نیز شکل داد. جمعیت‌های کوچ‌نشین در منطقه بهرآسمان را دو قشر اجتماعی تشکیل می‌دهند:

۱ - شهری‌ها یا همان نسل زوال‌یافته عشایر هستند که رو به



نگارنده انجام گرفت یک نوع رتبه بندی استقرار را برای جوامع حوزه هلیل رود را در عصر کنونی می توان فرض کرد که در نمودار ذیل مشاهده می شود.

پراکنش استقرارها در این الگو با توجه به دوری یا نزدیکی فاصله نسبت به هلیل رود متفاوت است. چنانچه هر چه فاصله استقرارها از هلیل رود بیشتر می شود میزان تعدد و پراکندگی آنان نیز بیشتر می شود. همان طور که گفته شد این نوع ترتیب مربوط به مقطع کنونی بوده ولی نوع میزان پراکنش داده های فرهنگی را در آن می توان به عنوان الگویی در پژوهش های باستان شناسی در این منطقه قرار داد. داده های باستانی به دست آمده در حوزه هلیل رود این نوع رتبه بندی را به ادوار تاریخی جیرفت تا حدودی تعمیم می دهند. که تنها دو قسمت آن یعنی جوامع شهری و عشایری آن معرفی شد (انجم روز ۱۳۸۷). البته نسبت دادن این الگو به تمام اعصار فرهنگی جیرفت با توجه به میزان بررسی های صورت گرفته هنوز بس مشکلی می نماید. هدف دیگر این الگو ارائه روش های بررسی و پژوهش های مبتنی بر نگرشی پنهانگر در این منطقه است. زیرا جوامع حوزه هلیل حداقل از دو حالت گفته شده جوامع پیرامونی و یا جوامع مرکزی خارج نمی باشند و داده هایی که در این دو حوزه قرار می گیرند با این معیار و در این چهار چوب باید تعریف شوند که بسی مهم تر از افق زمانی آنهاست.

در مجموع پژوهش های باستان شناسی انجام شده در این منطقه، تحقیقات کمتر در جهت این شبکه و الگو انجام یافته است. البته تحقیقات دکتر حمیده چوبک را تا حدی می توان مستثنا دانست، او را می توان به عنوان بانی تحقیقات پنهانگر در حوزه هلیل رود دانست. او فرهنگ حوزه جازموریان را به عنوان یک پهنه فرهنگی برای بررسی کلی فرهنگ حوزه هلیل رود انتخاب کرده است (چوبک ۱۳۸۳).

داده های مردم نگاری :

منابع تاریخی چون تاریخ و جغرافیای وزیری را می توان به عنوان نخستین مطالعات مردم نگاری حوزه هلیل رود دانست. وزیری مورخ و جغرافی دان عصر قاجار نخستین کسی است که به تقسیم بندی جوامع ایلیاتی حوزه هلیل رود بر طبق بلوک های مکانی می پردازد (وزیری ۱۳۸۳). بعد از وزیری آقای دکتر باستانی پاریزی تا حدی

تحقیقات خود را در این زمینه معطوف می کند (باستانی پاریزی ۲۵۳۵). مطالعاتی که بر روی ایلات جبال بارزی و سلیمانی صورت گرفته است (مقدس جعفری ۱۳۷۹، عباس عبدالله گروسی ۱۳۶۴، صفا ۱۳۷۴)، آخرین پژوهش های انجام گرفته در مورد کوچ نشینی جیرفت در زمینه ی مردم نگاری و تاریخ هستند.

با توجه به مطالعات معدودی که جنبه های کمتری از فرهنگ عشایری حوزه هلیل رود را در بر می گیرند، بر این مصمم شدیم که کارهای کامل تری در این زمینه صورت بگیرد. متأسفانه به دلیل فروپاشی این جامعه در مقطع زمانی نگارنده، دریافت و ثبت داده های کمی و کیفی فقط با کمک از حافظه معدود افراد باقی صورت گرفت و به همین سبب تا حد زیادی پراکنده از کار درآمدند و تنها جنبه هایی از آن را در مقاله گفته شده به کار برده شد (انجم روز ۱۳۸۷)، در صورتی که پژوهش گفته شده می توانست به صورت منسجم تر و کامل تر انجام شود.

داده های مردم نگاری که از کوچ نشینان بهرآسمانی تهیه شد، به عنوان فرهنگ کوچ نشینی حوزه هلیل رود در عصر کنونی در مقایسه با دیگر داده هایی مثل یافته های باستانی از کوچ نشینان این منطقه قرار گرفته بودند. زیرا پرسشی که محور پژوهش ما قرار می گرفت مبتنی بر تکرار پدیده کوچ نشینی در جیرفت در ادوار گوناگون باستانی و تاریخی بود.

یافته های باستانی :

مجموع داده های باستانی که در پژوهش پیشین ارائه شد، خود حاکی از پیشینه استقرار در قلمرو کوچ نشینان امروزی جیرفت و به خصوص عشایر بهرآسمانی است. در پژوهش پیشین از این داده ها نیز برای پاسخ به پرسش محوری تحقیق استفاده شد، در صورتی که ارائه تعریف کاملی از این داده ها بسیار نیازمند به استفاده از الگوهای محلی و تاریخی است.

از مجموع داده های گفته شده تنها سفال های دوره اسلامی با جوامعی که به عنوان مرکز و پخش کننده آنها محسوب می شدند مقایسه شدند. شهر قدیم جیرفت یا دقیانوس به عنوان جامعه مرکزی برای داده های دوره اسلامی بهرآسمان معرفی شد، اما مشکلی که به وجود می آید در رابطه با نسبت دادن این داده ها به کوچ نشینان است.

امروزه در فصل زمستان هیچ کس در این منطقه باقی نمی ماند و فقط منطقه مجاور بهرآسمان یعنی ساردوئیه که به دلیل احداث جاده و برق رسانی، امکان اقامت زمستانی در آن فراهم شده است. ولی مدارک تاریخی حاکی از آن است که حتی در منطقه ساردوئیه پیش از عصر حاضر به علت برودت هوا در پاییز و زمستان هیچ وقت امکان اقامت زمستانی وجود نداشته است (همان).

نقوش صخره ای :

معمولا نخستین اشتباهی که در مطالعه نقوش صخره ای صورت می گیرد مربوط به افق زمانی آنها است. زیرا این هنر تا به امروز چه به صورت تقلیدی و یا هنری مستقل امتداد یافته است. بیشتر محققان ، محوطه های اطراف را به عنوان شاخص تاریخ گذاری احتمالی این نقوش قرار می دهند. در جیرفت این نقوش در قلمرو کوچ نشینان کنونی قرار دارند و این کوچ نشینان نیز یادگارهایی از خود روی صخره ها ایجاد کرده اند که تاریخ گذاری این سنگ نگاره ها را بس مشکل نموده است (انجم روز ۱۳۸۷).

در این مورد بیشتر افراد معمولا ظرافت سفال را به عنوان شاخص در نظر می گیرند، در صورتی که این معیار بسیار نسبی و نسبت به مقاطع گوناگون می تواند متفاوت باشد. در این مورد می توان به سفال های قالبی دوره اسلامی در منطقه بهرآسمان اشاره کرد. نمونه این سفال ها را می توان به وفور در شهر قدیم جیرفت مشاهده کرد چنانکه این شهر به عنوان یکی از مراکز عمده تولید این سفال معرفی شده است (چوبک ۱۳۸۳). تولید این سفال ها در مناطق کوهستانی به فرصت و نیز کوره های بس مجهزی نیاز دارد که در این منطقه حتی یک عدد قالب سفالی که بیان کننده تولید محلی این سفال در کوهستان بوده باشد وجود ندارد، ولی این نمی تواند مانعی در نسبت دادن این سفال ها به کوچ نشینان باشد. اگر ما بخواهیم تولید شهری را به عنوان شاخص پی بردن به قشر اجتماعی قرار بدهیم در این صورت بسیاری از آثار کنونی کوچ نشینان دوره حاضر در این منطقه نیز مورد سوال قرار می گیرند. مجموع آثار گفته حداقل به یک جامعه مبتنی بر استقرار موقت تعلق دارند زیرا هم الگوهای محلی و آب هوایی کنونی و هم مدارک تاریخی ما را در اثبات این موضوع یاری می کنند.

فهرست منابع:

- مشیری رحیم ۱۳۸۰، جغرافیای کوچ نشینی، تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)
- صفا عزیزالله ۱۳۷۴، جبال بارز در مسیر تاریخ، مجموعه مقالات دومین دهه و کرمانشناسی، انتشارات کرمان شناسی، کرمان: مرکز کرمانشناسی.
- مقدس جعفری محمد حسن ۱۳۷۹ سلیمانی ها گذری بر قلمرو جامعه شناسی عشایر، کرمان: دانشگاه شهید باهنر
- علیدادی سلیمانی نادر ۱۳۸۳ گزارش نخستین بررسی و شناسایی جیرفت، بخش ساردوئیه، سازمان میراث فرهنگی و صنایع گردشگری کرمان
- باستانی پاریزی محمد ابراهیم ۲۵۳۵ وادی هفتواد، تهران انجمن آثار ملی
- چوبک حمیده ۱۳۸۳ تسلسل فرهنگی جازموریان: شهر قدیم جیرفت، پایان نامه مقطع دکترا، دانشگاه تربیت مدرس [منتشر نشده].
- انجم روز سلمان ۱۳۸۷ نظری بر استقرار های کوچ نشینان در مناطق دره ای کوهستانی جیرفت، مجله باستان پژوه، شماره ۱۶. صص...
- بخشنده نصرت عباس ۱۳۸۴ مبانی کوچ و کوچندگی در ایران/ تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- مجید زاده یوسف ۱۳۸۶ گزارشی کوتاه از پنجمین فصل حفاریات باستان شناسی در محوطه های کنارصندل و گورستان های محوطه آباد و قلعه کوچک جیرفت، مجموعه مقالات نهمین گردهمایی سالانه باستان شناسی ایران (جلد اول)، گروهی از نویسندگان، تهران سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، معاونت پژوهشی، پژوهشکده باستان شناسی، ۱۳۸۶.
- ورجوند پرویز ۱۳۴۴ روش بررسی و شناخت کلی عشایر، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- عبدالله گروسی عباس، آیین زایش و رویش در جنوب کرمان «سرزمین عشایر سلیمانی»، کرمان.
- Abdi kamyar 2003 The early development of pastoralism in the central zagros mountains/ journal of prehistory.vol.17,no.4,December